

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳

Urban management
No.74 Spring 2024

۲۳-۴۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تبیین الگوی ابعاد کیفیت زندگی در فضای شهری با رویکرد ارتقای شاخص‌های آن^۱

منا صدرایی: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حمیدرضا صارمی*: دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

آرش بغدادی: استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Explaining the model of the quality model in the urban space according to the improvement of its life indicators

چکیده

کیفیت زندگی و ارتقا شاخص‌های کیفی فضای شهری است که از اوخر دهه ۸۰ میلادی وارد ادبیات شهرسازی گشته است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که ارتقای کیفیت زندگی در واقعیت امری است که شهرسازان و مدیران شهری همواره باید به دنبال آن باشند. هدف این پژوهش بنیادی (اثباتی) تبیین شاخص‌هایی مشخص و کاربردی برای پژوهش‌های هنجاری و عملیاتی آنی است. از همین رو در این مقاله سعی شده با مرور ادبیات جهانی و داخلی به طبقه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی پرداخته و این واژه را از قالبی کاملاً مفهومی و انتزاعی خارج نموده و مؤلفه‌های عینی و ذهنی آن که در پژوهش‌ها باید مدنظر قرار گیرند را استخراج نماید. در ابتدا شاخص‌ها با توجه به مبانی موجود و شاخص‌های جهانی موجود با کمک تحلیل محتوا و استخراج کلیدواژه‌های استفاده شده توسط نظریه‌پردازان شاخص این موضوع که در برخی موارد دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند، مشخص گشته‌ند. شاخص‌های کیفیت در دو بعد ذهنی و عینی در ابتدا طبقه‌بندی گشته‌ند و شش مؤلفه اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیستمحیطی، بهداشتی و حمل و نقل تقسیم گردیده و ارتباط میان این ابعاد و مؤلفه‌ها در چارچوب نظری مشخص گردیدند. شاخص‌های استخراج شده در هر قسمت از مبانی نظری با مصاحبه از صاحب‌نظران و با توجه به بستر و زمینه ایران به ویژه میدان تحریش و فرهنگ و قشر مخاطب آن تدقیق گشته و درنهایت مدل مفهومی و چارچوب نظری از شاخص‌های ارتقای کیفی محیط به تفکیک ابعاد کیفیت زندگی ارائه گشته است تا گامی برای پژوهش‌های عملی در این حوزه برای پژوهشگران باشد.

Abstract

The quality of life and improvement of the quality indicators of the space entered the urban planning literature in the ۸۰s. Many thinkers believe that improving the quality of life is something city planners and managers should always look for. This fundamental research aims to explain specific and practical indicators for future normative and operational research. Therefore, in this article, by reviewing the international and domestic literature, we tried to classify the indicators of quality of life and this word from a completely conceptual and abstract form and its objective and subjective components that should be considered in research. to check the primary indices, according to the existing foundations and the existing global indices, with the help of content analysis and the topics of the keywords used by the theorists of this index, which in some cases have differences and similarities, have been identified. The quality indicators were classified in two subjective and objective dimensions and six economic, social, environmental, environmental, health, transportation, and transfer components were converted and the relationship between these elements and components was determined theoretically. The indicators extracted in each part of the theoretical foundations were refined by interviewing experts and considering the background and context of Iran, especially the Tajrish field and its culture and target audience, and finally, a conceptual and theoretical model of the quality improvement indicators of the environment separately up to Quality of life is presented as a step for practical research in this field for researchers.

Keywords: quality of life, urban space, quality improvement, quality.

وازگان کلیدی: کیفیت زندگی، فضای شهری، ارتقای کیفی، ابعاد کیفیت.

* نویسنده مسؤول saremi@modares.ac.ir

۱. این مقاله مستخرج از: تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری (مورد پژوهشی: میدان تجریش شهر تهران) رساله دکتری شهرسازی خانم منا صدرایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس به راهنمایی دکتر حمیدرضا صارمی و مشاوره دکتر آرش بغدادی است.

مقدمه و بیان مسئله

بهبود کیفیت زندگی شهر ملایر را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه حاصل شده در این پژوهش نشان می‌دهد که زندگی شهری بدون برخورداری از یک سیمای شهری مناسب کیفیت زندگی مناسبی را در شهر ملایر به ارمغان نخواهد آورد. از آنجایی که ملایر دارای قابلیت‌های گردشگری و توریستی است و با عنایت به اقلیم، فرهنگ و موقعیت خود و تأثیراتی که این شهر در غرب کشور دارد به مقوله سیمای شهری و ساماندهی آن کمتر پراخته شده است.

کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه توسط مهرداد نوابخش در سال (۱۳۹۱) موردنیخش قرار گرفت. نتایج تحلیل در رگرسیون نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات، سن، نوع مذهب و منطقه سکونت بر کیفیت زندگی تأثیر داشتند و همچنین میزان میانگین مشاهده شده کیفیت زندگی شهروندان کرمانشاه است که با توجه به میانگین مورد انتظار است. سنجش کیفیت زندگی در قلمرو بافت فرسوده شهری، مطالعه موردي منطقه ۹ شهر تهران توسط پوراحمد و زارعی در سال (۱۳۹۴) موردنیخش قرار گرفته شد. نتایج مبنی این مطلب است که وضعیت رضایت از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیستمحیطی معنادار بوده و نشان از کیفیت پایین در این شاخص‌ها دارد تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (نمونه موردی: شهر فارسان) توسط حاجی نژاد و همکاران در سال (۱۳۹۵) موردنیخش قرار گرفت. یافته‌های همکاران در این شهر گویای آن است که محلات ناحیه دو شهر فارسان در شاخص‌های اقتصادی، با امتیاز ۸۴٪ اجتماعی با ۹۸٪ و کالدی با امتیاز ۹۳٪ در رتبه اول و محلات ناحیه یک این شهر رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند. در کتاب بررسی کیفیت زندگی شهری که توسط رابت مارانس و رایرت سیمسون در سال (۲۰۱۱) نوشته شده است، مشخص شد که ۲ پارامتر کیفیت شهری (دستمزد، درآمد، اشتغال، قیمت مسکن، تأسیسات فرهنگی، چشم اندازهای زیبا، آب و هوای...) و کیفیت زندگی محیطی (کیفیت محیط شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی) بر مؤلفه‌ی اصلی کیفیت زندگی اثرگذار هستند. در کتاب کیفیت زندگی و همتایی فضایی آن با توسعه‌ای اقتصادی محله در شهرهای بزرگ چین که توسط ون زنگ و لیلی زیانگ در سال (۲۰۱۷) بیان شده است که کیفیت زندگی بر روی توسعه اقتصادی محلی تأثیرگذار است. توسعه اقتصاد محلی می‌تواند کیفیت زندگی را افزایش دهد. اگر شهرها بر صنایع با ارزش افزوده و سازگار با محیط‌زیست ساخته شوند، اقتصاد محلی و کیفیت زندگی بهبود پیدا می‌کنند. در چین کیفیت زندگی بالاتر از توسعه‌ی اقتصاد محلی است.

مدیریت شهری

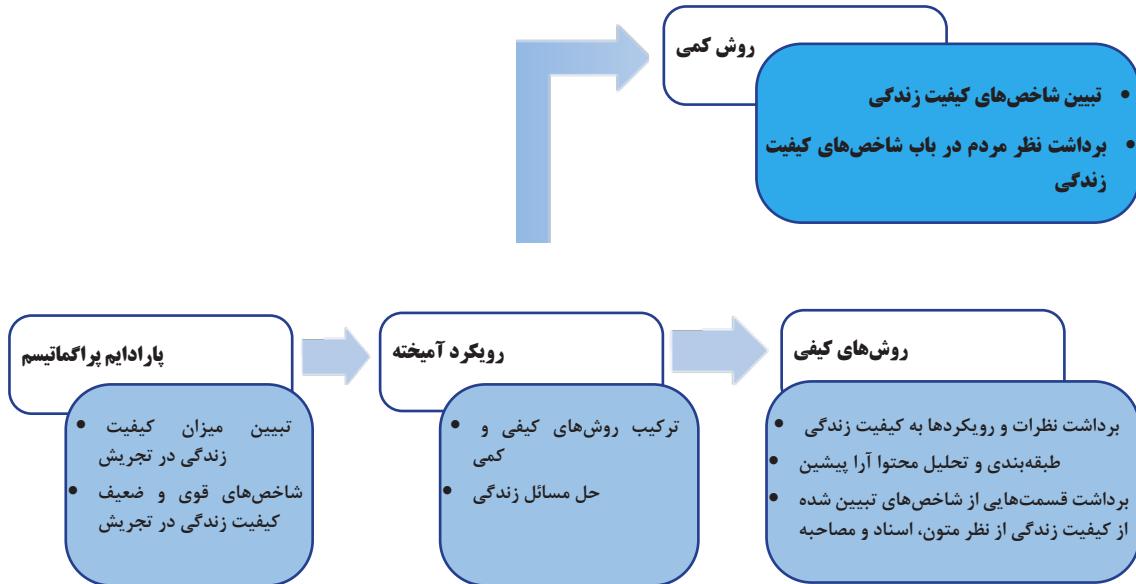
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و راستایی
شماره ۷۴. بهار ۱۴۰۳

Urban management
No. 74 Spring 2024

متخصصین شهر در گسترش شهرنشینی و شهری شدن با مسائل بسیار در این حوزه مواجه هستند که حل مسئله و راه حل یابی مدام و مداوم از نتایج آن است و گریزناید. از همین رو موضوع کیفیت زندگی از جمله عوامل و شاخص‌های جهانی است که کیفیت فضاهای توسط آن سنجیده می‌شود. فضای شهری تجربیش که بافتی سنتی و در عین حال قطبی مدرن به صورت توأم محسوب می‌گردد. این موضوع اما باید با مدلی بومی شده نسبت به مدل جهانی بررسی گردد و این موضوع با بومی‌سازی شاخص‌های ارائه شده در متون موقع جهانی امکان‌پذیر می‌گردد. از همین رو ارائه مدلی بومی که بتواند این کیفیت را بررسی نماید امری ضروری است. از همین رو با توجه به مبانی نظری موجود و تحلیل و تطبیق آن‌ها با بستر ایران توانستیم مؤلفه‌های کیفیت زندگی را استخراج نماییم.

پیشنهاد تحقیق

نفیسه مرصومی و علیرضا لاجوردی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تطبیقی کیفیت زندگی شهری در ایران را موردنیخش قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت زندگی شهری در شهرهای مرکزی و شمال کشور در تمامی بخش‌ها بهتر از سایر شهرهای کشور می‌باشد. بیشتر این شهرها در دایره‌ای فرضی که از اصفهان شروع می‌شود و پس از گذشتن از تهران، قزوین و سمنان شهرهای ساری، گرگان و رشت را در بر می‌گیرد، قرار دارند. شهرهای نیمه شمالی و نیمه غربی کشور از لحاظ فرهنگی-اجتماعی و شهرهای نیمه شرقی و نیمه جنوبی کشور از لحاظ اقتصادی وضعیت بهتری دارند. علی‌رحمانی فیروزجاه و سعدیه سهرابی (۱۳۹۴) در بررسی جامعه‌شناسی رابطه بین مبلغان شهری و کیفیت زندگی به این نتیجه رسیدند که بین میزان دسترسی مبلغان شهری و ابعاد کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و به طور کل نتیجه تحقیق پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، حاکی از آن است که مبلغان شهری از بین مجموعه عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محله یافت‌آباد تهران توسط محمدباقر قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) موردنیخش قرار گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از این است که وضعیت کیفیت زندگی در منطقه موردمطالعه در زمینه‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی از دید جامعه نمونه مطلوب نبوده و تنها وضعیت حمل و نقل و ارتباطات از دید جامعه نمونه در حد متوسطی ارزیابی شده است. ربا به رجبی آمیراباد و بیژن رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، ساماندهی سیمای شهری در راستای



شکل ۱: رویکرد و روش‌های مورداستفاده در پژوهش

سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری معطوف به آن است.

در کتاب انتخاب شاخص‌های پایدار شهری و کیفیت زندگی ساکنان شهر از روبرتا گریفونی و ماسیمو سارگولینی گفته شد که کیفیت مناظر و کیفیت زندگی ساکنان شهر ارتباط تنگاتنگی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. با خود مردم دادوم کیفیت زندگی ساکنان شهر موضوع مورد مطالعه آن‌ها با کیفیت زندگی ساکنان شهر بود.

در سال ۱۳۹۷ م劫بی یزدانی کتاب کیفیت زندگی شهری را نوشته است. در این کتاب کیفیت زندگی شهری، در حالی که مفهومی چندبعدی و بینا رشته‌ای است، به طور هم‌زمان دارای ابعاد عینی و ذهنی معرفی شده است. از این‌رو، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذران شهری باید در عین اینکه به شاخص‌های کالبدی و کمی کیفیت زندگی توجه کنند، به رضایتمندی، آرزوها و هویت شهروندان نسبت به آن شاخص‌های کمی نیز توجه داشته باشند. کیفیت زندگی و شاخص‌های گستره‌ده کمی و کیفی آن، در امتداد دیگر مؤلفه‌هایی چون محله گرایی، سلامت شهری، بهبود سکونتگاه‌های شهری، بهبود مبلمان شهری، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، توسعه انسانی و... همگی با یکدیگر هم‌افزایی دارند. این کتاب می‌کوشد با نشان دادن شاخص‌های مختلف کمی و کیفی کیفیت زندگی و بررسی آسیب‌شناختی وضعیت ایران از این منظر و ارائه سیاست‌گذاری‌های لازم در راستای آن به روشن شدن نظری و راهکارهای عملی بهبود این مؤلفه در برنامه‌ریزی شهری یاری رساند. هدف این کتاب، پرداختن به کیفیت زندگی به عنوان طرحی پژوهی برای سنجش کیفیت زندگی از زوایای مختلف، بررسی شاخص‌های آن (به‌طور کلی) و ارائه

روش‌شناسی
پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی است و از جنبه ماهیت و هدف کاربردی و از لحاظ روش همبستگی است. در واقع هدف از پژوهش حاضر مطالعه ذهنیت ساکنین شهر و بررسی الگوهای ذهنی آن‌ها در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی محدوده است. در این پژوهش در قسمت گردآوری مبانی نظری و ارائه مدل پژوهشی که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازد از روش کیفی استفاده شده و به روش سیستماتیک مبانی موجود استخراج و تحلیل کیفی صورت گرفته در باب بومی‌سازی شاخص‌ها با توجه به نظرات صاحب‌نظران و شناخت فرهنگ و ساماندهی ذهنی ساکنان تهران (ایران) صورت پذیرفته است.

مبانی نظری کیفیت

استاندارد بریتانیایی ۴۷۷۸ که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده، کیفیت را به عنوان "کلیت سیما، ترکیب و همچنین مشخصات خدمات و فرآوردهایی که قادر به ایجاد رضایتمندی و یا برطرف کردن نیازهای ضمنی است" بیان می‌کند. کمیسیون طراحی ولز چنین بیان می‌کند که کیفیت نباید تنها به عنوان سیمای ظاهری و نمای بیرونی ساختمان‌ها در نظر گرفته شود. کیفیت باید دربردارنده

دارند و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند، معرفی نمود (گلکار، ۱۳۸۰).

بسط رویکرد و دیدگاه در نگاه به کیفیت محیط
فقدان توصیف جامع و صحیحی از کیفیت محیط در نواحی سکونتی به همراه مؤلفه‌های آن پوشیده نیست. مطالعه سیستماتیک از کیفیت محیط به منظور اهداف سکونتی نسبتاً جدید است. مطالعات اولیه بیشتر به طور حاشیه‌ای به موضوع پرداخته‌اند. (Carp et al., 1976, p: 240) کیفیت محیط مفهومی متعالی تر از کیفیت محض است.

یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایتمندی را به جمعیتی که در آن ساکن‌اند به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند" (Lansing and Marans, 1969) به نقل از Van Porteous (poll, 1997, p: 17) در سال ۱۹۷۱ کیفیت محیط را به صورت یک مفهوم پیچیده شامل ترکیبی از ادراکات ذهنی، ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که در میان افراد، گروه‌ها و جوامع متفاوت است، مطرح کرد. RMB^۱ در سال ۱۹۹۶ عنوان کرد کیفیت محیط برآیندی است از ترکیب کیفیت اجزاء، با این تفاوت که این کلیت از جمع اجزاء بالاتر است. هر کدام از اجزاء (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط ساخته شده، تجهیزات محیط مصنوع و منابع طبیعی) مشخصات و کیفیت جزئی مربوطه به خود را دارد.. هم‌چون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندی و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارند به طوری که در سیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند. (Ibid, p:6)

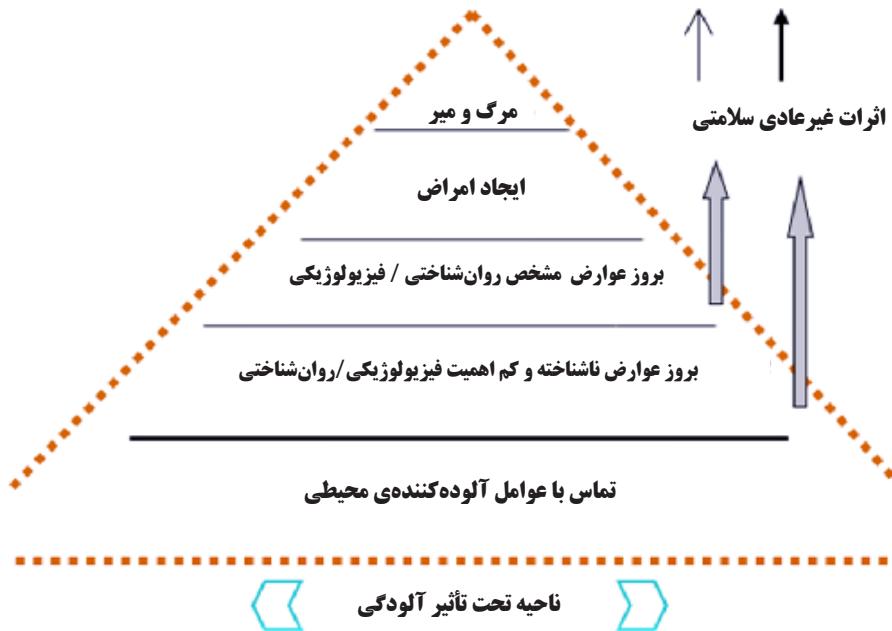
ضرورت بررسی کیفیت محیط

"همزمان با پیدایار شدن بحران‌های محیطی، کیفیت محیط به عنوان بخشی از مفهوم کلی کیفیت زندگی شناخته شد. این مفهوم به عنوان بازتاب همه‌جانبه احساس شخص از سلامتی، شامل همه عواملی که در رضایتمندی انسان نقش دارند، فرض شده است" (Van poll, 1997, p: 1). به عنوان مثال، فاکتورهای تأثیرگذار در رضایتمندی انسان سلامت شخص، زندگی فامیلی، کار، شبکه ارتباط اجتماعی و محیط می‌باشد که در ارتباط با دیگر جنبه‌های کیفیت زندگی، کیفیت محیط کمتر مورد بررسی قرار گرفته شده است (Craik and Zube, 1976, p:10).

تناسب اهداف، فعالیت‌های محیطی، پایداری اقتصادی و اجتماعی، پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و اهداف و آرمان‌های اجتماعات ملی و محلی باشد (Cowan, 2005, p: 317). کیفیت مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی است "روشن و واضح"، ولی در عین حال "چندپهلو"، مفهومی است "قابل فهم" ولی در عین حال "فارار" که به راحتی تن به تعریف شدن نمی‌دهد (گلکار، ۱۳۸۰). معنای لغوی واژه "کیفیت" در فرهنگ زبان فارسی "عمید"، "چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی" مطرح شده است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲۷). فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز چهار معنا برای واژه کیفیت ارائه کرده که عبارتند از میزان خوبی و ارزش هر چیزی، درجه خوبی و کمال هر چیز به صورت کلی، مشخصات و خصوصیات، جنبه‌های ویژه و متمایز‌کننده". (Oxford, 1989, p: 1023). منظور از کیفیت، از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌هایی است که آن چیز را به وجود آورند. به همین خاطر می‌توان یکبار با دیدگاهی کل نگرانه، ویژگی‌های اساسی و ماهوی یک چیز را بررسی نمود و یا می‌توان بار دیگر از دیدگاهی جزء نگرانه تک‌تک کیفیت‌ها (جزء کیفیت‌ها) را بررسی نمود (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳). در کل تعریفی از کیفیت که قبول عام بوده و قابل تعریف می‌باشد به شرح زیر است: «مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیء از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاؤ و حکم نماییم و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا و زشت بودن، خوب و بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد و ناکارآمد بودن آن قضاؤ و حکم نماییم» (Billings, 1993) به نقل از گلکار، (۱۳۸۰). به طور خلاصه می‌توان گفت کیفیت به آن ویژگی مشخص یک چیز یا پدیده اطلاق می‌شود که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

کیفیت یک شیء از دو منبع یا دو شیء سرچشمه می‌گیرد. عرصه ذهنی فرد و عرصه عینی شیء. براساس این نظریه، کیفیت‌هایی که متعلق به "عرضه ذهنی" هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون "ضمیر" فرد ساکن هستند. متقابلاً، کیفیت‌های مرتبط با "عرضه عینی" کیفیات متعلق به شیء هستند که به شکل " موجودیتی خارجی" در معرض ذهن قرار گرفته و یا با حقایق جهان خارج سروکار دارند. "کیفیت‌های ضمیری" را می‌توان به عنوان "ارزش‌هایی" که به دشواری قابل کمی‌شدن بوده و به سختی می‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری نمود، معرفی کرد. برخلاف کیفیت‌های ضمیری، "کیفیت‌های حقیقی" اشیاء را می‌توان به عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه‌گیری

تأثیر "کیفیت محیط شهری" بر "کیفیت زندگی" ساکنان شهرها توسط کوین لینچ مورد تأکید واقع شده است. وی می‌گوید: اگر بناست طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری نماید (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۴۳). اگر چه در کل اهمیت نسبی کیفیت محیط هنوز یک موضوع مورد بحث می‌باشد، بهبود کیفیت و سپس نگهداریش در محیط‌های مسکونی شهری اهمیت حیاتی دارد و این موضوع به علت اهمیت محیط در مقابل دیگر جنبه‌های زندگی، طبیعت خاص محیط‌های مسکونی، افزایش نقش محیط‌های مسکونی شهری به عنوان زیستگاه اصلی انسان و تعداد مردمی که از شرایط غالب محیط‌های مسکونی شهرشان تأثیر بدی گرفته‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار شده است (Van poll, 1997, p: 1). به علاوه اثر تأثیرات محیطی بر روی سلامت همگانی (عمومی) کمتر موردنظر قرار گرفته است (Kasl, 1990, p: 480). در شکل ۲۳ هرم سلامتی نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار ملاحظه می‌شود، سطحی وسیعی از مردم در معرض آلودگی‌های محیطی قرار دارند که در مقایسه با سطوح مرگ‌ومیر، امراض و ... قابل توجه می‌باشد. برای مثال در سال ۱۹۹۲ در هلند مرگ‌ومیر ناشی از سرطان از هر ۱۰۰۰۰ نفر بوده است (Van poll, 1997, p: 3). همچنین بر طبق یک بررسی توسط Doll و Peto در سال ۱۹۸۱، ۲ درصد از مرگ‌ومیر ناشی از سرطان به آلودگی‌های محیطی، خصوصاً آلودگی‌های هوا، قابل استناد می‌باشد.



شکل ۲: هرم سلامتی. منبع: (Van poll, 1997, p: 4)

جمله "هیمل بلاو" که در اهمیت فضای مطلوب می‌گوید: "ما عمدتاً در فضاهای محصور زندگی می‌کنیم. این فضاهای محیطی را شکل می‌دهند که در آن فرهنگ‌ها رشد می‌کنند. اگر آرزو داریم که فرهنگ خود را به سطحی بالاتر ارتقاء دهیم مجبوریم ... {فضای زندگی} خودمان را دگرگون سازیم." (لاری بقال، ۱۳۸۰، ص ۷۰). می‌تواند کلیتی مقبول را به ما نشان دهد. از آنجا که محیط‌های شهری نواحی ای را فراهم می‌کنند که در آن مردم با شرایط محیطی ناسازگاری همچون صدا، بوی بد، آلودگی هوا، امنیت بیرونی، ازدحام، آشغال و یا کمبود امکانات و تسهیلات مواجه می‌شوند. به خاطر همین دلایل، اداره کردن و مدیریت کیفیت محیط‌های مسکونی شهری اهمیت حیاتی دارد (Van poll, 1997, p: 1). متأسفانه، امروزه محیط‌های شهری به‌طور ناگهانی در رویارویی با بطریف کردن نیازهای ساکنان‌شان تنزل کرده‌اند (XV. Carp et al, 1976, p: 239). با توجه به اهمیت مسئله "کیفیت"، به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته بدون توجه لازم به کیفیت محیط شهری در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب وجود نخواهد داشت (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶).

کیفیت زندگی

ظهور انقلاب صنعتی و گسترش روزافزون فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی در جوامع بشری، ضرورت سازماندهی و چرخش در فرایند توسعه را از حیث نظری و عملی به همراه داشت به گونه‌ای که رویکردهای مختلفی در باب چگونگی و کم و کیف توسعه مطرح شدند. در آغاز وجه غالب این رویکردها تمرکز بر رشد اقتصادی بود و از منظر رفاه و بهزیستی اجتماعی، گزاره ثروت بیشتر به خوبی‌ترین افراد می‌انجامد، اصلی پذیرفته شده تلقی می‌گردید.

لیکن از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، با بروز ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد از سویی و برجسته شدن دغدغه‌های جدید از سوی دیگر، جایگاه رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی توسعه مورد پرسش و تردید قرار گرفت و تلاش‌هایی انجام شد تا رشد اقتصادی و سیاست‌های مربوط به آن به عنوان هدف بلکه به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به اهداف توسعه در نظر گرفته شود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ مؤلفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و ... نیز به ادبیات توسعه راه یافت و به تعبیری در سلسله‌مراتب اهداف توسعه تغییراتی حاصل گردید و با تأکید سازمان ملل، بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس هدف قرار گرفت که کاهش فقر و تحریب محیط‌زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و بهطورکلی ارتقا کیفیت زندگی را به همراه دارد (غفاری، کریمی و نوذری، ۱۳۹۱).

مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه‌های بهداشتی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد، اما در طی دو دهه گذشته، این مفهوم از زمینه‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و روان‌شناسی صرف به مفهومی چندبعدی ارتقا یافته (عنبری، ۱۳۸۹) و مورد توجه تعداد زیادی از حوزه‌های مطالعاتی قرار گرفته است. از این‌روست که براساس پایگاه داده‌ها موسسه اطلاعات علمی، از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ بیش از ۵۵ هزار تحقیق در مورد کیفیت زندگی صورت گرفته است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

مد پژوهشی شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳

Urban management
No. 74 Spring 2024

۲۸



شکل ۳: ابعاد مختلف زندگی که ابعاد مختلف کیفیت زندگی را معین می‌کند.

امروزه کیفیت زندگی را به عنوان عنصری کلیدی در سیاست‌گذاری و بررسی سیاست‌های حوزه عمومی مورد بحث قرار داده و از آن به عنوان شاخص توسعه نام می‌برند. این سازه بعد از طرح اولیه در دهه ۱۹۳۰ تاکنون تحولات بسیاری یافته و برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت و ترقی جوامع از آن استفاده روزافزونی می‌شود. از اواخر دهه ۱۹۷۰ علاقه به مفهوم کیفیت زندگی به شکل معناداری افزایش یافت. از این تاریخ به بعد بحث‌های کیفیت زندگی بیشتر در سه حوزه پژوهشی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی متمرکز شد. در واقع از دهه ۱۹۳۰ تا به امروز بر تعداد حوزه‌های مطالعه این سازه افزوده شده است. این امر موجب ایجاد ادبیات گسترده‌ای برای شاخص توسعه شده است. هرچه تعداد مطالعات در این حوزه بیشتر باشد تدوین شاخص‌های توسعه با دقت بیشتری انجام می‌گیرد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر توجه به کیفیت زندگی از دیدگاه اجتماعی باعث تغییرات گسترهای در نوع مطالعات این سازه شده و ابعاد جدیدی را بر این مفهوم افزوده است که باعث کاربرد بیشتر و گستردگر سازه کیفیت زندگی در کشوری مانند ایران به لحاظ مطالعاتی و سیاست‌گذاری از دو بعد درونی و بیرونی ضرورت و اهمیت دارد. از بعد درونی، ضرورت کاربرد این مفهوم را می‌توان در مواردی چون ارزیابی اثرات سیاست‌های اجتماعی، ارزیابی تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در سطح خرد و کلان، بهبود خدمات رسانی، ترغیب مشارکت عمومی، اعتلای حقوق انسانی، توزیع برابر منابع و مانند اینها جستجو کرد.

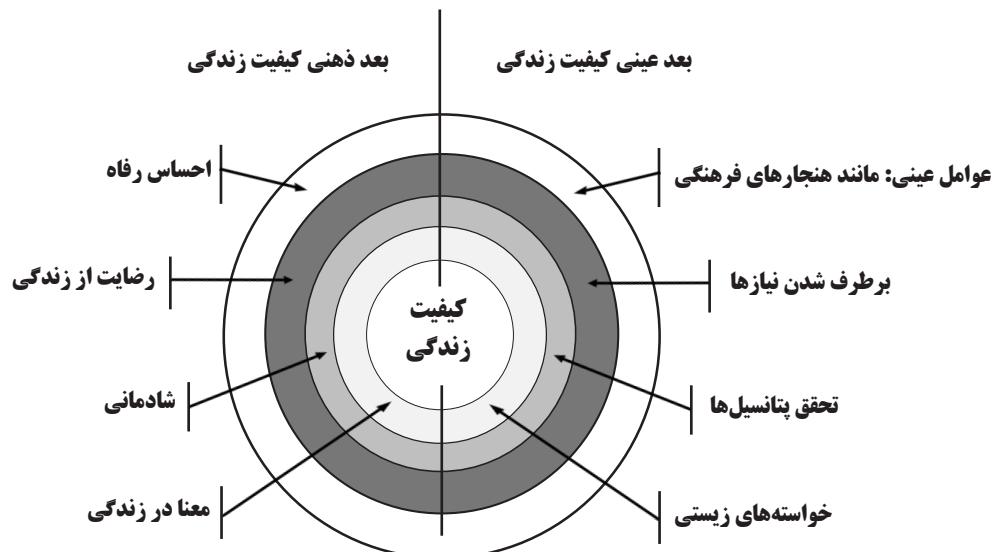
ابعاد بیرونی ضرورت توجه به سازه کیفیت زندگی در کشور با روند رو به رشد جهانی شدن شدت بیشتری می‌یابد. در عصر جهانی شدن، مناطق مختلف در جذب سرمایه‌هایی که مرازهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسند با همدیگر رقابت می‌کنند. از طریق ارتقای کیفیت زندگی است که بسیاری از افراد و سرمایه‌ها تمایل می‌یابند تا در آن منطقه به سکونت کار و سرمایه‌گذاری بپردازند. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که در وضعيت کنونی دستیابی به توسعه از هر بعد آن بدون توجه به سازه کیفیت زندگی امکان‌پذیر نمی‌باشد. با توجه به این ضرورت در سال‌های اخیر مطالعات سازه کیفیت زندگی در ایران از ابعاد مختلفی دچار تغییر شده است. بررسی این تغییرات می‌تواند نشان‌دهنده میزان توجه به این سازه در مطالعات داخلی و در کجاگاه کیفیت زندگی در مطالعات توسعه باشد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

درییش شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳

Urban management
No.74 Spring 2024

۲۹



شکل ۴: سطوح کیفیت زندگی

• تاریخچه کیفیت زندگی

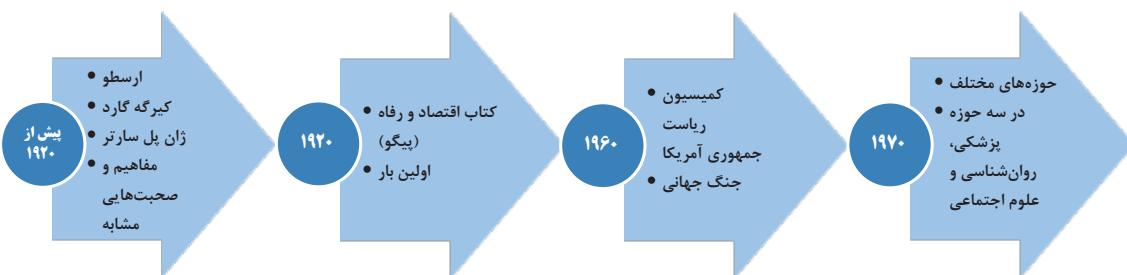
کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی بدان اشاره کرده است. همچنین در دوران جدید فیلسفانی چون کیرگه گارد، زان پل سارتر و دیگران به آن توجه داشته‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸). با این وجود کسی که برای اولین بار به مفهوم کیفیت زندگی به صورت مستقیم اشاره کرد پیگو بود. پیگو عبارت کیفیت زندگی را اولین بار در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» مورد استفاده قرار داد.

در این کتاب، پیگو درباره حمایت دولت از قشرهای کمدرآمد جامعه و تأثیر این حمایت بر آن‌ها و همچنین بودجه ملی بحث می‌کند. آن زمان نظریه او شکست خورد و تا بعد از جنگ جهانی دوم به فراموشی سپرده شد. بعد از جنگ جهانی دوم دو حادثه مهم رخ داد. اولی مربوط به سازمان بهداشت جهانی بود. در این زمان سازمان بهداشت جهانی تعریف گسترهای از سلامت ارائه کرد که در این تعریف سلامت شامل سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌شد. این اقدام سازمان بهداشت جهانی منجر به مذاکرات زیادی در مورد سلامت و چگونگی اندازه‌گیری آن شد.

دومین رخداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم که زمینه توجهات ویژه به کیفیت زندگی را فراهم آورد بحث بی‌عدالتی‌های وسیع در جوامع غربی بود. همین مسأله باعث یک سری فعالیت‌های اجتماعی و ابتكارات سیاسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد شد. به اعتقاد فیشر و شوسلر عبارت کیفیت زندگی به صورت خاص اولین بار در سال ۱۹۶۰ در گزارش کمیسیون ریاست

جمهوری درباره اهداف ملی آمریکا مطرح شد (وود، ۱۹۹۹). گزارش کمیسیون مذکور مرکز بر برنامه‌های اجتماعی مانند آموزش و نیروی انسانی، توسعه اجتماعی و مسکن، سلامتی و رفاه بود (ليندا و ديانا، ۲۰۰۵). بر همین اساس گزارش کمیسیون ریاست جمهوری آمریکا در زمینه اهداف ملی و تحقیق باوئر در سال ۱۹۶۶ در زمینه اثرات ثانویه برنامه‌های مکانی ملی در آمریکا را می‌توان به عنوان اولین کارهایی ذکر کرد که به مقوله کیفیت زندگی به عنوان یک حوزه تحقیقاتی خاص پرداخته‌اند (شولر و فيشر، ۱۹۸۵).

از اواخر دهه ۱۹۷۰ علاقه به مفهوم کیفیت زندگی به شکل معناداری افزایش یافت. از این تاریخ به بعد بحث‌های کیفیت زندگی بیشتر در سه حوزه پژوهشی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی مرکز شد. بیشترین تمرکز تحقیقات انجام شده بر روی حوزه پژوهشی می‌باشد. از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۵ تعداد ۲۶۶۹۸ مقاله از سوی پایگاه داده‌های پابند منتشر شده که عبارت «کیفیت زندگی» عنوان موضوعی یا چکیده آن‌ها را شامل می‌شود. از نیمه دهه ۱۹۶۰ تعداد کارهای منتشر شده با این موضوع رشد تصاعدی داشته است. در سال ۱۹۶۶، درصد از کارهای منتشر شده در پابند با موضوعیت کیفیت زندگی بوده در حالی که همین مقدار در سال ۲۰۰۵ به ۱/۳۶ درصد رسیده است (مونز و همکاران، ۲۰۰۵).



شکل ۵: تاریخچه کیفیت زندگی

• ابعاد مفهومی کیفیت زندگی

با وجود گذشت چندین دهه از رواج مفهوم کیفیت زندگی و تحقیقات متنوع صورت گرفته در این زمینه تعریف واحدی که موردنیویل همه باشد وجود ندارد. مرور متون مرتبط به کیفیت زندگی (فلس و پری، ۱۹۹۵؛ ماسام، ۲۰۰۲؛ لی، ۲۰۰۵؛ فیلیپس، ۲۰۰۶؛ سرجی، ۲۰۰۶) حاکی از تأکید دیدگاه صاحب‌نظران مختلف درباره ابعاد مفهومی در تعریف این سازه است. هر محقق با توجه به حوزه مطالعه، شرایط و ویژگی‌های جامعه تحقیق تعریفی از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد. رونمی و همکارانش مجموعه استدلال‌هایی برای پاسخ به این پرسش ارائه می‌دهند که چرا تعریف پذیرفته شده جهان‌شمولي برای کیفیت زندگی وجود ندارد. این مجموعه عبارتند از:

الف) فرایندهای روان‌شناختی مرتبط با تجربه کیفیت زندگی را می‌توان از دریچه زبان‌ها و دلیل‌های مفهومی مختلف توصیف و تفسیر کرد.

ب) مفهوم کیفیت زندگی تا حد زیادی با ارزش داوری همراه است.

ج) مفهوم کیفیت زندگی متأثر از رشد درک انسانی و فرایندهای توسعه در طول زندگی افراد در اجتماع محلی و میزان تحت تأثیر قرار گرفتن این فرایندهای روان‌شناختی توسط عوامل محیطی و سیستم‌های ارزش فردی است. از این‌رو به دلیل فقدان تعریف عملیاتی واحد از کیفیت زندگی، واژه‌های مرتبط دیگری مانند بهزیستی، سطح زندگی، استاندارد زندگی، رضایتمندی از زندگی و خشنودی ظهور کرده‌اند (ماسام، ۲۰۰۲).

یکی از اختلافات مهمی که بین متخصصین کیفیت زندگی وجود دارد دیدگاه آن‌ها در رابطه با ذهنی یا عینی بودن این مفهوم است. بر همین اساس می‌توان محققین کیفیت زندگی را به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول کسانی هستند که فقط به بعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند. این‌ها در کارهای خود یا بعد عینی کیفیت زندگی را لحاظ نمی‌کنند و یا آن را از لحاظ اهمیت در سطح بسیار پایینی قرار می‌دهند. دسته دوم کسانی هستند که برخلاف دسته اول کیفیت زندگی را از لحاظ عینی بررسی می‌کنند البته تعداد این افراد در قیاس با گروه اول بسیار کم است، اما دسته سوم که به نظر روزبه‌روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود کسانی هستند که دید جامع تری نسبت به این مفهوم داشته و معتقدند که کیفیت زندگی را باید از دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار داد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱).



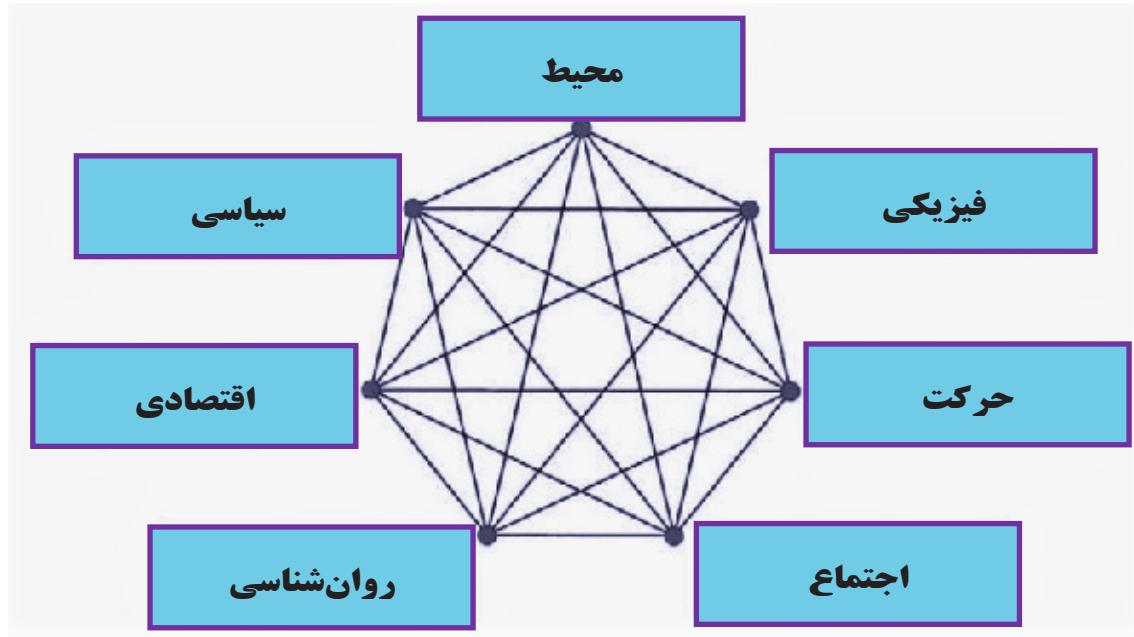
شکل ۶: طبقه‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان به کیفیت زندگی

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳

Urban management
No.74 Spring 2024

۳۱



شکل ۷: ابعاد کیفیت زندگی منبع: 89: Serag El Din et all, 2012:

• کیفیت زندگی به مثابه سازه‌ای ذهنی

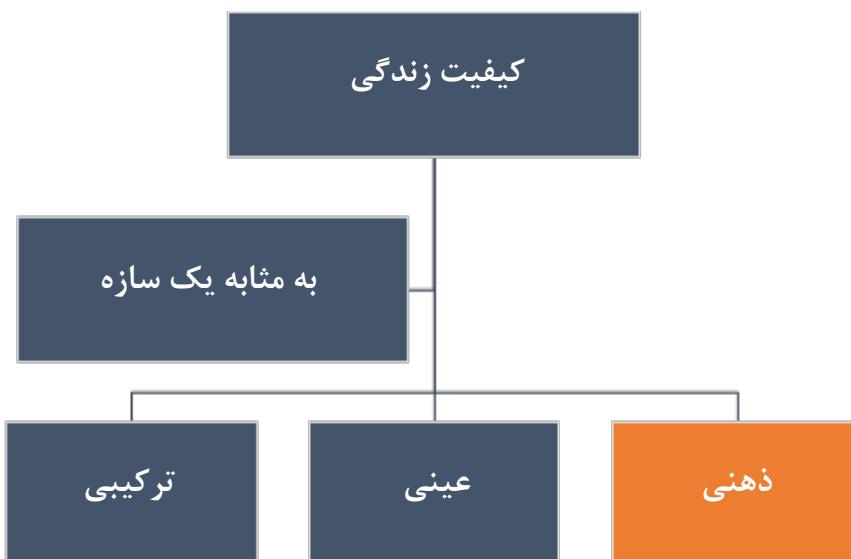
کیفیت زندگی به احساسات، انتظارات، اعتقادات و پندره‌های فرد بستگی دارد. بدین معنا که حتماً باید توسط خود شخص، براساس نظر او و نه فرد جایگزین تعیین گردد. لذا در مطالعات کیفیت زندگی ارزیابی خود فرد از سلامت و یا خوب بودنش عامل کلیدی می‌باشد (نازنجات، ۱۳۸۷؛ رستمی و صالحی، ۱۳۷۸). پترا بونک (۲۰۰۷) برای بررسی کیفیت زندگی به بعد ذهنی این موضوع رضایت از زندگی توجه دارد. او معتقد است که کیفیت زندگی یک جامعه در واقع انکالس ذهنی

افراد جامعه در زمینه رضایت از زندگی است. کامنس کیفیت زندگی ذهنی را به عنوان یک مفهوم چندبعدی تعریف کرده است. به نظر او کیفیت زندگی شامل هفت حوزه زندگی می‌شود که هر کسی بر حسب اهمیتی که هر حوزه برای او دارد آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد لذا این هفت حوزه وزن‌های مختلفی از دید مردم پیدا می‌کنند. این هفت حوزه که از آن به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی یاد می‌کند شامل موارد زیر است: ۱. بهزیستی جسمانی؛ ۲. بهداشت؛ ۳. بهره‌وری؛ ۴. صمیمیت؛ ۵. امنیت؛ ۶. اجتماع؛ ۷. بهزیستی عاطفی (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲).

شوسلر و فیشر (۱۹۸۵) معتقدند که جنبه ذهنی کیفیت زندگی معمولاً برای بیان حالت‌های وابستگی و رضایت به کار می‌رود مانند حس شخصی از رفاه، رضایت یا نارضایتی از زندگی یا خوشحالی یا ناراحتی. سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز کیفیت زندگی را این گونه تعریف می‌کند؛ درک افراد از جایگاهشان در زندگی با توجه به بافت فرهنگی و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند. در این حالت درک افراد از زندگی در ارتباط با اهداف، انتظارات، ملاک‌ها و عقایدشان می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی مفهوم وسیعی از کیفیت زندگی را مدنظر قرار می‌دهد که این مفهوم تلفیقی از سلامت فیزیکی، وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی، اعتقادات فردی و ارتباط این عوامل با ویژگی‌های محیطی می‌باشد. (کارگروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۳). این تعریف از کیفیت زندگی نشان می‌دهد که این مفهوم جنبه ذهنی داشته و در بافت فرهنگی، اجتماعی و محیطی محاط می‌باشد. به عنوان یک تجربه ذهنی، کیفیت زندگی ارزیابی درکی فرد از واقعی و پاسخ عاطفی به این واقایع را شامل می‌شود (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲).

افکانس و مارون معتقدند که رفاه ذهنی وسیله‌ای برای شناسایی کیفیت زندگی است. آنان جنبه‌های ذهنی و روانی و فیزیکی شخصیت انسان را موردنظر قرار داده و تأثیرات این ابعاد را روی بخش ذهنی کیفیت زندگی لحاظ می‌کنند. فاکتورهای عینی مانند درآمد، مسکن و آموزش برخلاف ویژگی‌های ذهنی نقش کمتری را در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی در تحقیقات افکانس و مارون دارند (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵).

در این نگاه کیفیت زندگی را با سنجش احساس‌های ذهنی شخص از خشنودی درباره جنبه‌های گوناگون زندگی می‌توان ارزیابی کرد (شیخاوندی، ۱۳۸۸). بیشتر روان‌شناسان طرفدار استفاده از مفهوم ذهنی کیفیت زندگی بوده و معتقدند که رفاه هر فرد یا گروه از افراد دارای اجزای عینی و ذهنی است. اجزای عینی رفاه یا بهزیستی با آنچه که به‌طور معمول به عنوان استاندارد زندگی یا سطح زندگی نامیده می‌شود، ارتباط دارد و اجزای ذهنی آن به کیفیت زندگی اطلاق می‌شود.



شکل ۸: تقسیم‌بندی‌های بررسی شده در پژوهش در بخش کیفیت زندگی

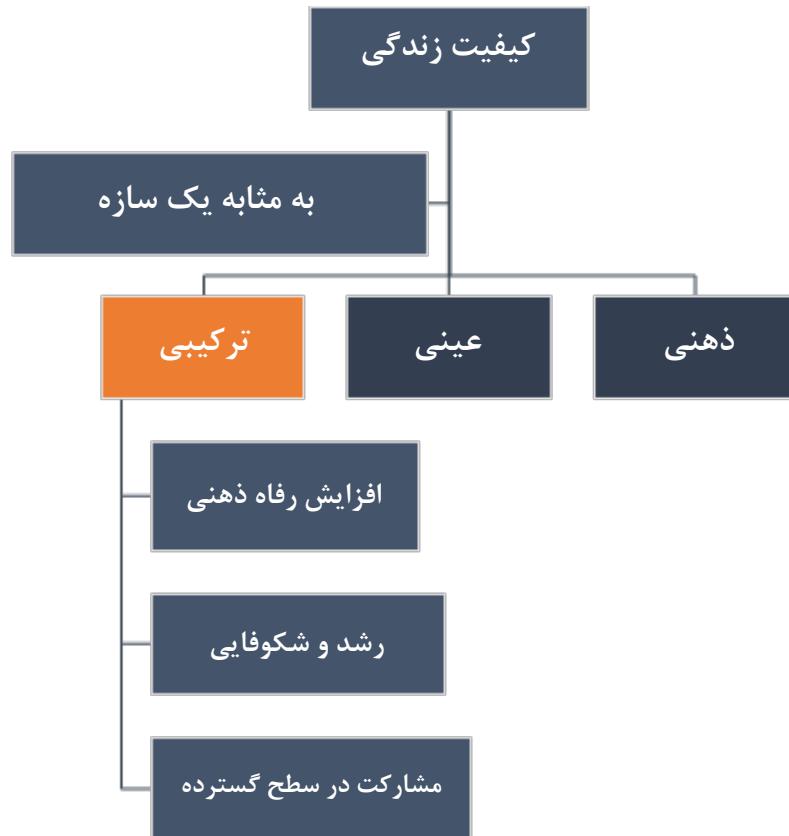
• کیفیت زندگی به مثابه‌ی سازه‌ی عینی

در مقابل دسته اول که بعد ذهنی کیفیت زندگی را لحاظ می‌کنند. گروه دیگری نیز هستند که بحث خود را بیشتر بر

روی جنبه عینی این مفهوم متمرکز کرده‌اند. اگر چه تعداد این محققین زیاد نیست و لی رویکردی متفاوت از دیگران را در پیش گرفته‌اند. کسانی همانند مازلو و مک‌کال کیفیت زندگی را از بعد عینی موردنرسی قرار داده و معتقدند بالحاظ کردن جنبه‌های عینی کیفیت زندگی بهتر می‌توان به تحلیل این مفهوم پرداخت. این دو طرفدار استفاده از شاخص‌های عینی منطبق با هر فرهنگ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

• کیفیت زندگی به مثابه سازه‌ای ترکیبی

رویکرد سوم تلاش می‌کند تا با ترکیب دو رویکرد یاد شده دید جامع‌تری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح کند. نقطه شروع این کار را می‌توان در طبقه‌بندی فرانس دید. فرانس (۱۹۹۲) معتقد است که از لحاظ مفهومی، کیفیت زندگی هم جسمی است و هم ذهنی ولی جنبه ذهنی آن غلبه دارد. فرانس کیفیت زندگی را ادراک فرد از رفاه خود می‌داند و معتقد است که اگر درک فرد از کیفیت زندگی‌اش کاوش یابد سایر ویژگی‌های او تحت تأثیر قرار گرفته و باعث تحلیل آن‌ها و درنهایت افت کیفیت زندگی می‌شود. اگر چه از لحاظ وسعت مفاهیم برسی شده در زمینه کیفیت زندگی، فرانس را جزو طبقه سوم به حساب می‌آورند یعنی جزو اندیشمندانی که کیفیت زندگی را هم از بعد عینی برسی کرده‌اند و هم از بعد ذهنی. ولی برسی کارهای او (فرانس، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد که بیشتر این کارها متمرکز بر بعد ذهنی کیفیت زندگی است و بخش عینی این مفهوم بازنمایی مناسبی به مثابه کارهای انجام شده توسط فلیپس را نشان نمی‌دهد.



شکل ۹: استقلال عمل‌های لازم در کیفیت زندگی فردی از دیدگاه فلیپس

فلیپس در زمینه کیفیت زندگی به برسی این مفهوم در ابعاد فردی و جمعی با استفاده از مؤلفه‌های عینی و ذهنی پرداخته است. از دید فلیپس لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است و بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در موارد زیر اشاره دارد:

۱. افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی.

۲. رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگر خواهی.
۳. مشارکت در سطح گسترهای از فعالیت‌های اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروهها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، هم‌کوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گستره و پیوندهای موقعی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع‌دستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (فلیپس، ۲۰۰۶).

توجه روزافزون به کیفیت زندگی به عنوان سازه‌ای ترکیبی باعث شده که بر تعداد قلمروها یا حوزه‌های مطالعاتی این سازه افزوده شود. هر کار در تحقیقات خود در رابطه با بیماری‌های سلطانی سه قلمرو را برای کیفیت زندگی نام می‌برد که شامل قلمروهای فیزیکی، روانی و اجتماعی است (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵).

در زمینه ابعاد کیفیت زندگی، لی معتقد است که سه حوزه محیطی، اجتماعی و اقتصادی سه ستون اصلی کیفیت زندگی هستند که می‌توانند برای تشخیص مفهوم زندگی مناسب و پایدار و همچنین برای توضیح معنای کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرند (لی، ۲۰۰۵).

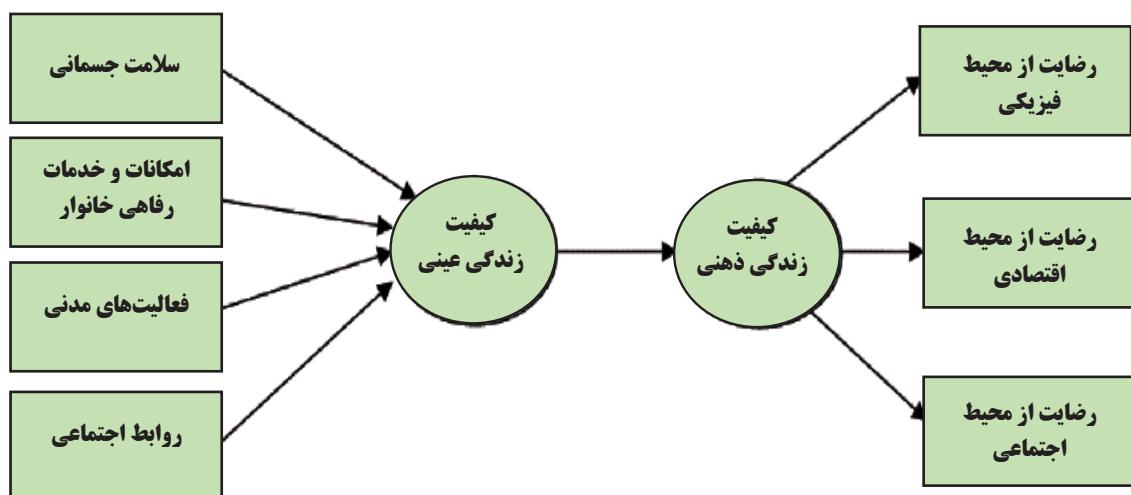
بونگ (۲۰۰۷) سه حوزه مهم که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازد را شامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌داند. روان‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی را بر رفاه و بهزیستی ذهنی مؤثر می‌داند. جامعه‌شناسی بر نقش الگوهای و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و بهزیستی ذهنی تأکید دارد و نهایتاً اقتصاد نقص درآمد را در رفاه و بهزیستی ذهنی مهم‌تر از سایر حوزه‌ها می‌داند. با توجه به مباحث مطرح شده در زمینه کیفیت زندگی می‌توان سه ویژگی مهم برای این سازه را برشمود. این ویژگی‌ها شامل چند بعدی بودن کیفیت زندگی، ذهنی بودن آن و پویایی این سازه می‌باشد.

مد پرسی شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴. بهار ۱۴۰۳

Urban management
No. 74 Spring 2024

۳۴



شکل ۱۰: کیفیت زندگی عینی و ذهنی و شاخص‌های آن‌ها

• عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. عوامل مؤثر بر آن به دوره زمانی و مکان جغرافیایی و شرایط فرهنگی تغییر می‌کنند. شکی نیست که واقعیت‌ها و شرایط عینی جامعه و وضعیت مادی زندگی فرد نیز در آن نقش تعیین‌کننده دارند (خوارزمی، ۱۳۸۲).

از دید الیور و همکاران (۱۹۹۷) عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی در سه طبقه قرار دارند: ۱. مشخصات فردی شامل متغیرهای دموگرافیک؛ ۲. شاخص‌های عینی کیفیت زندگی که شرایط محیطی هستند و بر متغیرهای مربوط به رفاه عمومی، بهداشت محیط اجتماعی، تحرک، فرهنگ و مذهب، محیط طبیعی و سیاست‌ها. ۳. شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی که با مفاهیمی همچون احساس رضایتمندی از زندگی، رفاه و آسایش جسمی و روانی و شادکامی توصیف می‌شود. فرانس (به نقل از اسلامی، ۱۳۸۴)

ارتباط عوامل مرتبط با کیفیت زندگی را به صورت دیاگرام زیر نشان داده است: همان‌طوری که دیاگرام بالا نشان می‌دهد. این چهار متغیر می‌تواند مستقل‌یا تأمیم با یکدیگر بر روی کیفیت زندگی تأثیرگذار باشند. درک فرد از کیفیت

زندگی اش نیز می‌تواند به هر کدام از متغیرهای نامبرده تأثیر بگذارد.

مرکز مطالعات کیفیت زندگی از مدل‌ها و تکنیک‌ها استفاده می‌کند که ادعا می‌شود هم وجه عینی و هم وجه ذهنی کیفیت زندگی را می‌سنجد و بر تعریفی از زندگی مبتنی است که همسطح و هم عمق زندگی را در بردارد و ضمن توجه به وضعیت فرد از نظر ثروت مادی و پایگاه اجتماعی و سلامتی، معنایی که این شرایط برای فرد دارد و احساس خوب و رضایت از زندگی را نیز در بر می‌گیرد. نمونه‌ای از یافته‌های این مرکز به این شرح است:

۱. در ارتباط با کیفیت زندگی، مهم نیست که از عینی فرد چه شرایطی داشته باشد (جنسیت، قد، تحصیلات، شغل و...).
کیفیت زندگی او به مقدار زیاد بستگی دارد به این که چه احساسی درباره خودش دارد. ۲. میزان درآمد سالانه، همبستگی چندانی با کیفیت زندگی فرد ندارد. ۳. نوع شغل فرد رابطه مستقیمی با کیفیت زندگی او ندارد. مسئله اساسی این است که فرد از کارش راضی باشد و با همکاران خود رابطه خوبی داشته باشد. ۴. در رابطه با سلامتی، کیفیت زندگی اغلب با این تشخیص که فرد بیمار است، آسیب می‌بیند، ولی بیشتر به این دلیل که بیماری مشکلات و دردسرهایی برای فرد می‌آفریند و روال عادی زندگی را بر هم می‌زند. ۵. کیفیت زندگی تقریباً هیچ ارتباطی با مصرف الکل و سیگار و عادات غذا خوردن و ورزش ندارد (خوارزمی، ۱۳۸۲).



شکل ۱۱: نتایج حاصل از مطالعات خوارزمی در باب کیفیت زندگی

• چارچوب نظری ارائه شده در زمینه کیفیت زندگی در ایران

با توجه به بستر موضوع که در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد در زمینه چارچوب نظری با توجه به همه مطالب ذکر شده و مبانی نظری خارج از کشور این شاخص‌ها در ایران ارائه شده و در جدول زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

جدول ۱: چارچوب نظری کیفیت زندگی

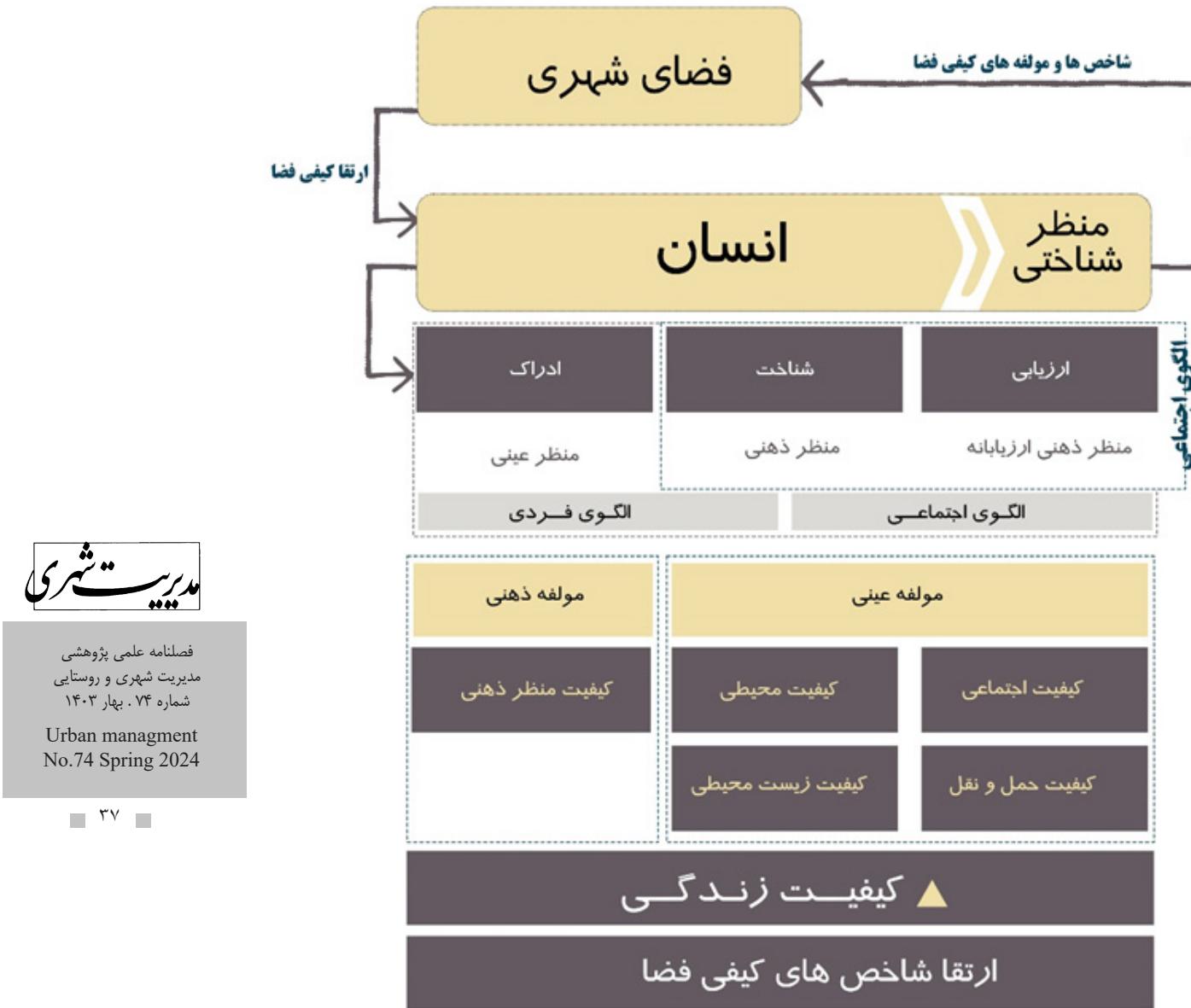
پژوهشگر	سال	شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی
سلیم زاده و همکاران	۱۳۸۶	برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی‌اش در رابطه با فرهنگ، نظام ارزش اجتماعی، اهداف، انتظارات، استانداردها و احتیاجاتش
ربانی خوراسگانی و کیانپور	۱۳۸۶	مؤلفه‌های ارزیابی فردی (شامل احساس بهزیستی، احساس رضایت از زندگی در اجتماع)، ارزیابی کارکردی (شامل استانداردهای شهروندی، منزلت نقشی)
گروسى و نقوى	۱۳۸۷	کیفیت روانی، کیفیت فرهنگی، کیفیت سلامت، کیفیت محیطی، دسترسی به خدمات و امنیت عمومی
علی‌اکبری و امینی	۱۳۸۹	شاخص کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت محیط اقتصادی، کیفیت حمل و نقل و ارتباطات
فتحعلیان، پرتویی	۱۳۹۰	عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی
نیازی، دلال خراسانی	۱۳۹۱	درک فرد از وضعیت کنونی خود و ارزیابی مثبت از زندگی و محیط پیرامونی فرد. رابطه اجتماعی، دین‌داری، رضایت از خود، احساس تأمین نیازها
سالاری سردری و همکاران	۱۳۹۳	کیفیت حمل و نقل و ارتباطات، کیفیت محیط اقتصادی، کیفیت محیطی، کیفیت محیطی فیزیکی
شاه‌حسینی، توکلی	۱۳۹۳	مسکن، سرزندگی و هویت محل زندگی، مشارکت‌های اجتماعی، آموزش، امنیت، محیط‌زیست، حمل و نقل، وضعیت اقتصادی، خدمات و امکانات
براتی، بیزان پناه، شاه‌آبادی	۱۳۹۴	میزان رضایتمندی شهروندان از عوامل مختلف مؤثر بر کیفیت زندگی مانند عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و غیره. کیفیت دسترسی به خدمات، ارزش‌های محیط شهری، ارزش‌های ترکیبی، امنیت اقتصادی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت مسکن
حاتمی نژاد و همکاران	۱۳۹۵	کیفیت واحد مسکونی، کیفیت رفت‌وآمد و حمل و نقل، کیفیت امکانات اوقات فراغت، ابعاد ذهنی کیفیت زندگی، کیفیت دسترسی به تسهیلات تجاری، کیفیت و رضایت از تسهیلات درمانی بهداشتی، کیفیت و رضایت از تسهیلات اداری، کیفیت تسهیلات آموزشی، کیفیت تسهیلات اجتماعی و فرهنگی، کیفیت تسهیلات شهری، کیفیت وضعیت بهداشتی، کیفیت امنیت محله و کیفیت روابط همسایگی

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴. بهار ۱۴۰۳

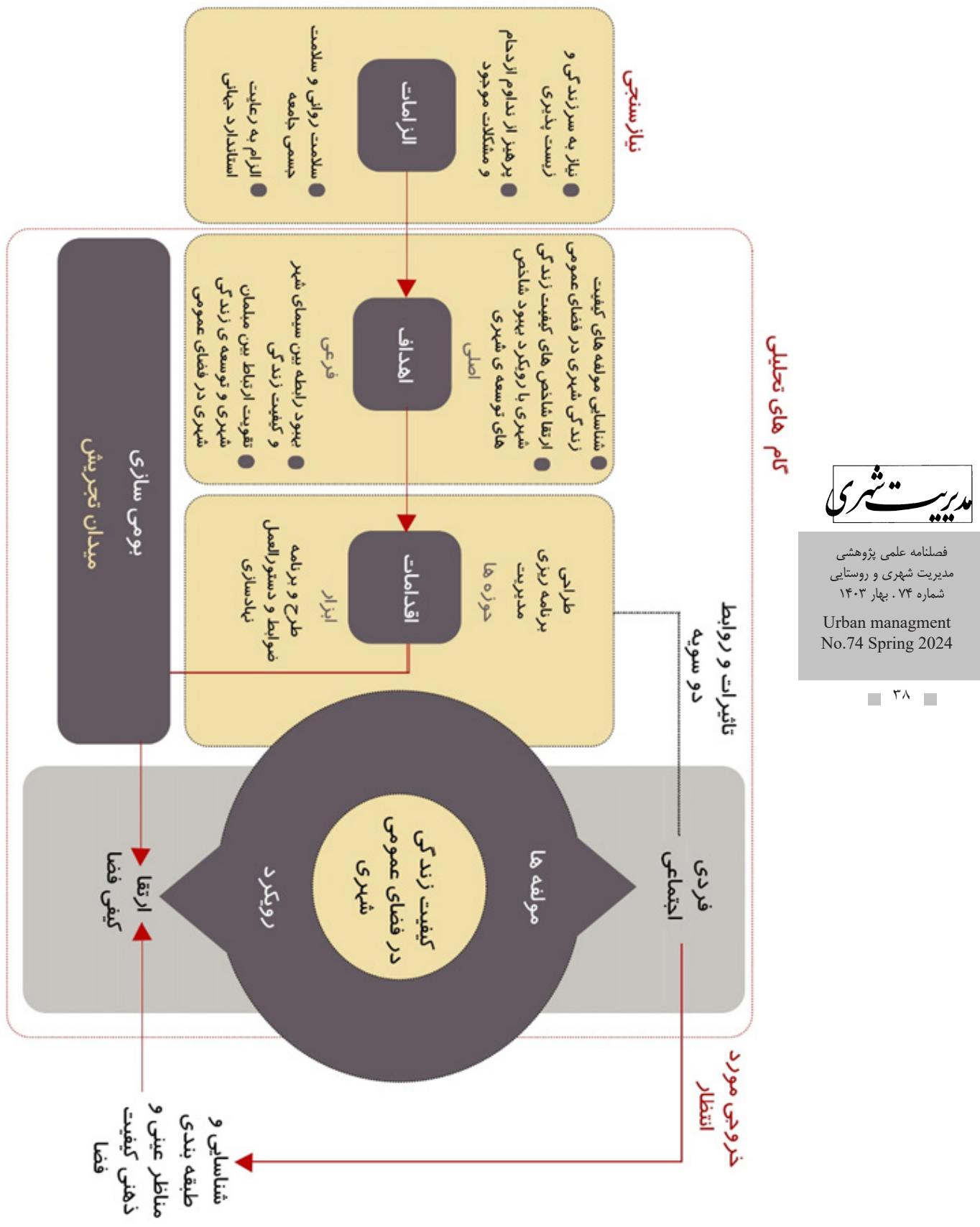
Urban management
No. 74 Spring 2024

با توجه به موضوع پژوهش که تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری است. در ابتدا با شناخت محیط روبه‌رو هستیم که در سه مرحله شناخت عینی، شناخت ذهنی، شناخت ارزیابانه صورت می‌گیرد. در واقع هر فضای شهری در معنای عام خود تبدیل به محیطی برای رهگذران و شهروندان است که می‌تواند منظری در سه لایه برای آن‌ها ایجاد نماید. لایه اول منظر عینی به صورت اولیه در برطرف نمودن نیازها متمر ثمر بوده و به صورت مشخص کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. در لایه بعدی منظر ذهنی مؤلفه‌های مختلف با توجه الگوهای فردی و اجتماعی در ذهن فرد ایجاد می‌نمایند. با دسته‌بندی این م المؤلفه‌ها به مؤلفه‌های عینی و ذهنی که در برخی مبانی نظری کیفیت زندگی نیز این دسته‌بندی دیده می‌شود، می‌توان محیط را به عنوان بستر و انسان را به عنوان فیلتر آن به مؤلفه ذهنی با کیفیت زندگی ارتباط داد. مؤلفه عینی خود می‌تواند در چهار دسته حمل و نقل، اجتماعی، محیطی و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی گردد. این مؤلفه‌ها و مؤلفه ذهنی اگر در کنار هم میزان قابل قبولی از نتیجه مطلوب را داشته باشند، می‌توانند به کیفیت زندگی منتج گردد و شاخص‌های آن را بالا برند:

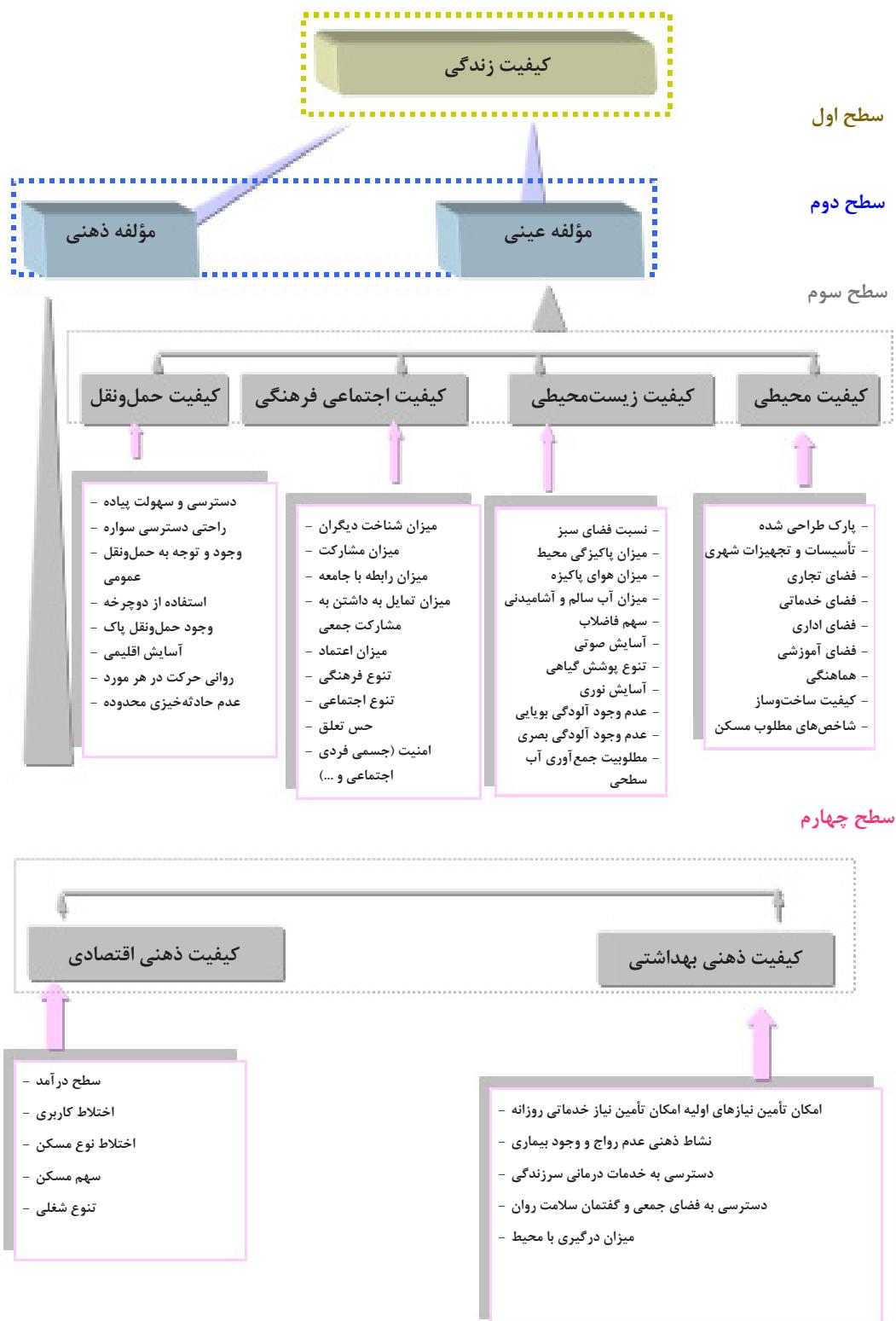


شکل ۱۲: چارچوب اولیه نظری پژوهش: ارتباطات کلی مفاهیم اصلی پژوهش

پیش از ارائه مدل نظری پژوهش که ارتباط دقیق‌تر این مسائل را در بر می‌گیرد، باید گفت مدل تحلیل و تفکری این پژوهش بر اساس فرآیند زیر تحقق خواهد یافت. در واقع دیاگرام زیر نیاز به بیان نحوه اجرا و برنامه‌دهی رسیدن از تئوری به عمل را مبین می‌سازد. در ابتدا نیازسنجی از فضای شهری با توجه به بستر و زمینه و با توجه به الگوهای فردی و اجتماعی بستر که در مبانی اهمیت آن‌ها مشخص گردید، صورت گرفته است. با توجه به نیازسنجی صورت گرفته، اهداف تبیین گشتنده که در این میان مدل نظری مؤلفه‌های کیفیت نظری باید ابتدا مشخص گرددند. با توجه به مدل نظری نهایی و بومی‌سازی مدل‌ها با توجه به نمونه موردي پژوهش یعنی میدان تجریش، اقداماتی در قبال مؤلفه‌های استخراج شده صورت می‌گیرد. این فرآیند تفکر و اجرا در دیاگرام زیر قبل مشاهده است:



در جمع‌آوری و بسط دقیق‌تر این ارتباط میان کلیدوازه‌های پژوهش و ایجاد مدلی تجربی جهت بررسی کیفیت زندگی در فضای شهری میدان تجربی باید گفت کیفیت زندگی در چند سطح نمود می‌یابد:



منابع

- الکساندر، ک. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امامقلی، ع.، آیوزبان، س؛ و اسلامی، س. (۱۳۹۱). روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. فصلنامه علوم رفتاری، ۴۴-۲۳.
- ایمانی، ن؛ و ظفرمندی، س. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، ۴۲-۳۳.
- بارون، ر. (۱۳۸۷). تیپ شخصیتی من کدام است؟. تهران: انتشارات پوینده.
- پورجعفر، م؛ ایزدی، م؛ و خبیری، س. (۱۳۹۲). دلیستگی مکانی؛ بازناسانی مفهوم، اصول و معیارها. هویت شهر، ۵۴-۴۳.
- پوردبیمی، ش. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط رواستا، ۱۸-۳.
- تایگر، پ؛ و تایگر، ب. (۱۳۸۸). شغل مناسب شما. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تایگر، پ؛ و تایگر، ب. (۱۳۹۲). تکنیک‌های شخصیت خوانی، راهی برای ارتباط مؤثر. م. قره چه داغی، و. ح. رحیم منفرد، مترجم) تهران: انتشارات پیک بهار.
- نقفي، م؛ و طاهری سیاح، ف. (۱۳۹۶). بررسی شیوه استفاده از شخصیت شناسی و وزیرگی‌های شخصیتی کاربر فضای طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا، ۷۵-۸۸.
- جعفری، س؛ و فروتن، م. (۱۳۹۴). ارزیابی دلیستگی به مکان: تبیین عوامل و شاخص‌ها. مطالعات محیطی هفت حصار، ۶۳-۷۶.
- حبیب، ف؛ و نسار، د. (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پنهانهای توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۴ و ۲۲ شهرداری تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۷-۲۰.
- رلف، ا. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی. (م. نقصان محمدی، ک. مندگاری، و. ز. متکی، مترجم) تهران: آرمانت شهر.
- زمانی، ب.، قلعه‌نوبی، م؛ و پیمانفر، س. (۱۳۹۶). بازناسانی مؤلفه‌های سکونتگاه (مطالعه موردی: محله مجرم اصفهان). مسکن و محیط رواستا، ۱۱۷-۱۳۰.
- شاملو، س. (۱۳۸۲). مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
- شکیبا، ش. (۱۳۸۴). بررسی رابط تیپ شخصیت و هوش هیجانی در رضایت شغلی کارمندان علوم پزشکی ایران. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی.
- ظاهر طولو دل، م.، مهدی نژاد، ج؛ و سادات، س. (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، ۱۶۵-۱۸۲.
- عابدی، م؛ وجودی، پ. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- فقیهی‌پور، ج؛ و حسینی‌آرایی، س. (۱۳۹۹). تیپ‌شناسی MBTI Myers-briggs type indicator. تهران: انتشارات دارالفنون.

با توجه به شاخص‌های توسعه مدل زیر را می‌توان تدوین نمود که درنهایت پرسشنامه و تحلیل نیز بر اساس همین مدل ارائه گشته است

یافته‌های پژوهش

- با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش و اهمیت بالای طبقه‌بندی واضح و شفاف مفاهیمی انتزاعی مانند کیفیت زندگی که در رشتہ شهرسازی استفاده بسیاری دارد، باید گفت این پژوهش به چند نتیجه کلیدی در زمینه کیفیت زندگی، ابعاد آن و نحوه ارتقا آن‌ها رسیده است:
- کیفیت زندگی به صورت هم‌زمان به دو دسته و مؤلفه عینی-ذهنی و کمی - کیفی تقسیم می‌شود که این تقسیم‌بندی به صورت مجزا و ناسازگار نیستند و به عنوان مثال مؤلفه‌ی اقتصادی هرچند به لحاظ ذهنی کیفیت زندگی را تعیین می‌نماید دارای شاخص‌هایی کمی برای بررسی و اندازه‌گیری است.
- ابعاد کیفیت زندگی به شش دسته طبقه‌بندی می‌گردد: کیفیت محیطی، زیستمحیطی، حمل و نقل، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی
- مؤلفه‌ی ذهنی به دو بخش کیفیت ذهنی بهداشتی و کیفیت ذهنی اقتصادی تقسیم‌بندی می‌گردد. هرچند مؤلفه‌های محیطی، زیستمحیطی، ترافیکی و فرهنگی-اجتماعی بر روی این کیفیت ذهنی تأثیرگذار می‌باشند ولی به دلیل ملموس بودن و تأثیر مستقیم آن‌ها، در طبقه‌بندی موجود در بخش مؤلفه‌های عینی قرار گرفته‌اند و تأثیرات غیرمستقیم آن‌ها بر کیفیت ذهنی مشاهده می‌گردد.
- امکان تأمین نیازهای اولیه، امکان تأمین نیاز خدماتی روزانه، نشاط ذهنی، عدم رواج و وجود بیماری، دسترسی به خدمات درمانی، سرزنشگی، دسترسی به فضای جمیعی و گفتمان، سلامت روان و میزان درگیری با محیط مجموعه به عنوان زیر شاخصه‌های مؤلفه کیفیت ذهنی بهداشتی محیط معرفی شده‌اند.
- سطح درآمد، اختلاط کاربری، اختلاط نوع مسکن، سهم مسکن و تنوع شغلی زیر شاخصه‌های مؤلفه کیفیت ذهنی اقتصادی می‌باشند.
-
- امید است با این طبقه‌بندی و شاخصه‌ها و زیر شاخصه‌های ارائه شده بتوان به شناخت میزان کیفیت زندگی در محیط‌های مختلف شهری به دور از ابهام و بیان مفاهیم پیچیده و غیرعلمی به روش‌های کمی و آمیخته پرداخت و گامی کوچک در جهت رسیدن به شهرسازی علمی و شفاف قدم برداشت.

- Ujang, N. (2012). place attachment and community of urban place identity. Social and behavioral Sciences, 56-64.
- Williams, D., Anderson,, B., & McDonald, C. (1995). Measuring place attachment: More preliminary results. NRPA leisure research symposium San Antonio,, 4-8
- قیمتی، م، اعتضام، ا، و علایی، ع. (۱۳۹۹). بررسی نقش دلستگی مکان در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۲۱-۳۰۸
- کارمنا، م، تیسلد، ا، و هیت، ت. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری. (ا. صالحی، م. شکوهی، ف. قرایی، & ز. اهری، مترجم) تهران: دانشگاه هنر تهران.
- کوپر مارکوس، ک. (۱۳۸۳). خانه: نماد خویشتن. (ا. عقیلیان، تدوین) فصلنامه فرهنگستان هنر، ۹-۵
- گلکار، ک. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار: تعاملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، ج. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری- نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (ع. عینی فر، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
- متقی، ا، و نامدارزاده، م. (۱۳۹۹). نسبت هویت مکان با کنش‌های تقسیمات سیاسی در فضا (مطالعه موردی: شهرستان کاررون). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹۰-۷۷
- محمودی، م، وزیرجانی، ح، و خلیلی بادگاری، م. (۱۳۹۱). ابعاد شخصیتی تست مایرز-بریگر (MBTI) و تمایل خرید مشتریان. تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۶۵-۱۵۱
- نمازیان، ع. (۱۳۷۹). نیازهای روانی در رابطه با محیط مصنوع. صفحه، ۸۱-۷۴
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۵۳). هستی، فضا و زمان. (م. حافظی، مترجم) تهران: انتشارات تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۲). گزینه‌ای از معماری-معنا و مکان. (و. نوروز برازجانی، مترجم) تهران: انتشارات جان جهان.
- وثیق، ب؛ و یاری کیا، ع. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در بنای‌های امام‌زاده‌ها (امام‌زاده سید حسن (ع) و علی صالح (ع). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۵۲-۳۷

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳

Urban management
No.74 Spring 2024

۴۱

- Arefi, M. (1999). Non place and placelessness as narratives of loss. Journal of urban design, 179-193.
- Burt, C. (1933). The psychology of art in how the mind works. London: Allen and Unwin.
- furnham, A., & Avison, M. (1997). Personality and preference for surreal paintings.. Personality and Individual Differences, 923-935.
- Gustafson, P. (2006). Place Attachment and Mobility. CAB international, 17-33.
- Jorgensen, B., & Stedman, R. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore Property owners attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology, 233-248.
- Rentrow, P., Goldberg, L., & Levitin, D. (2011). The structure of musical preferences: a five-factor model. Pers Soc Psychol.
- Shamai, S., & Ilatov, Z. (1996). Measuring Sense of place: Methodological aspects. Tijdschrift voor Economische en sociale Geografie, 467-476.